

قدر بزرگان خود را بدانیم

و به آنها احترام بگذاریم

اخیراً باز در بعضی سایت‌ها مطالبی را در مورد استاد گرانقدر جناب آقای دکتر حسابی دیدم که دوستانی مطالبی را عنوان کرده بودند و چون در مورد بعضی از آنها از نزدیک شاهد بوده‌ام فکر کردم که شاید توضیح در مورد آنها لازم باشد، ضمن این که ظاهراً تمام دوستان اتفاق نظر دارند که استاد دکتر حسابی شخصیتی موقر، متین، خوش برخورد، مهربان، بسیار کم‌حرف و بسیار پرکار بودند و کارهای بسیار ارزشمندی را انجام داده‌اند که انجام یکی از آنها برای افتخار کردن یک نفر در تمام عمر کافی است. به هر روی عنوان شده بود که استاد حسابی در گوشه‌گیری و میدان ندادن به آقای دکتر خمسوی موثر بوده‌اند. شاهد بوده‌ام که استاد حسابی برای استاد دکتر خمسوی احترام زیادی قائل بودند و مقام علمی ایشان را تأیید می‌کردند و حتی یک بار به من فرمودند که اگر در مطالعه کتابی به مشکلی برخورد کنم که نیاز به مشورت با کسی باشد بدون تردید به دکتر خمسوی مراجعه می‌کنم. و باز می‌فرمودند که آقای دکتر خمسوی مطالبی را برای انتشار یک کتاب در مورد اپتیک هندسی آماده کرده بودند و قسمت‌هایی را که من دیده بودم بی‌نظیر بود. ظاهراً آقای دکتر خمسوی آن مطالب را برای انتشار به چاپخانه دانشگاه تهران می‌دهند ولی چون با تعلل و امروز و فردا کردن مواجه می‌شوند یادداشت‌ها را می‌گیرند و از چاپ کتاب منصرف می‌شوند و دیگر هیچ وقت سراغ انتشار هیچ کتابی نمی‌روند. از اعتقاد آقای دکتر حسابی به آقای دکتر خمسوی نکته دیگری را یادآور می‌شوم. یک بار آقای دکتر حسابی امتحان درس اپتیک را انجام داده بودند و ورقه‌های امتحانی را گرفته بودند، ولی ناگهان گویا یک مسافرت علمی برای ایشان پیش می‌آید که باید در کنفرانسی شرکت می‌کردند و چون نگران بودند که ممکن است این مسافرت به درازا بکشد و دانشجویان سرگردان نمره‌های خود شوند ورقه‌های امتحانی خود را در اختیار آقای دکتر خمسوی گذاشتند تا ایشان پس از تصحیح به هر ترتیب که صلاح می‌دانند نمره‌ها را از طرف ایشان به دفتر دروس بدهند. استاد دکتر حسابی بسیار کم‌حرف، نکته‌سنج و دقیق بودند.

ایشان یک بار سر کلاس می‌فرمودند که: طرز سوال است که اهمیت دارد اگر من نتوانم جواب بدهم یک نفر جواب آن را خواهد داد. و باز می‌فرمودند که همین پارسال (در آن سال ها لیسانس فیزیک دست کم سه سال بود و اگر دانشجویی در درسی رد می‌شد باید آن را سال دیگر بگیرد) تصمیم گرفتم امتحانات به صورت شفاهی برگزار شود. دانشجویی آمد و از او پرسیدم امسال چه خواندید؟ او گفت امسال راجع به تداخل نور خواندیدم و شروع کرد پشت سر هم مطالبی را گفتن. دیدم که مطالب را قاطی می‌کند و اصلاً متوجه قضیه نیست، گفتم رد هستی برو سال دیگر بیا. دانشجوی بعدی آمد، باز همان سوال را پرسیدم. او گفت راجع به پراش نور خواندیدم و شروع کرد مطالبی را به هم مخلوط کردن، گفتم متوجه موضوع نیستی برو سال دیگر بیا. خلاصه همین طور عده‌ای آمدند و مطالبی را عنوان کردند که معلوم بود چیزی نمی‌دانند و همه رد شدند. تا این که دانشجویی آمد و باز همین سوال را پرسیدم. آن دانشجو سرش را پایین انداخت و پس از کمی فکر کردن گفت: استاد امسال اپتیک خواندیدم! گفتم آفرین تو درست می‌گویی برو قبول هستی!

آقای دکتر حسابی از هیچ کمکی برای ادامه تحصیل اطرافیان خود دریغ نمی‌کردند و آقای دکتر پرنیان‌پور، آقای دکتر اهرابی، خانم نیره حمزه، که به علت تصادف تحصیلاتشان در انگلستان ناتمام ماند، و بسیاری دیگر از این جمله اند. خانم طالب‌زاده، خانم صدیقه معینی، خانم زهرا معینی و آقای دکتر توسلی از جمله دانشجویان ممتاز ایشان بودند که درس‌های اختیاری آقای دکتر را که دانشجویان دیگر به طرف آنها نمی‌رفتند می‌گرفتند و جملگی فوق لیسانس خود را با ایشان گذرانده‌اند. خود من بورس یکسال و نیم در انگلستان داشتم. پس از اتمام بورس که قصد برگشتن به ایران را داشتم چون آقای دکتر حسابی از طریق مکاتبه در جریان کارهای من بودند نامه‌ای برای پرفسور مارشال که استاد اپتیک در دانشگاه پاریس بودند نوشتند و فرمودند برو به تحصیلات خود ادامه بده ولی مقامات انجمن ایران و انگلیس موافقت نکردند و می‌گفتند شما از ایران آمده‌اید به همانجا برگردید و بعد هر جا می‌خواهید بروید. خلاصه من برگشتم و چنانچه اُفتد و دانید گرفتار اهل و عیال شدم و حکایت صورت دیگری به خود گرفت!

سرکار خانم دکتر طریان هم از دانشجویان آقای دکتر بودند که بعد در فرانسه در رشته نجوم و ستاره‌شناسی تحصیل کردند و در مراجعت احتمالاً با صلاح‌دید آقای دکتر حسابی از طرف آقای دکتر کشی‌افشار که باز قبلاً دانشجوی آقای دکتر حسابی بوده‌اند و از ایشان حرف‌شنوی زیادی داشتند سرپرست رصدخانه فیزیک خورشید در موسسه ژئوفیزیک شدند که خدمات زیادی در این زمینه کردند و لقب بانوی آفتاب ایران واقعاً زبینه ایشان است. خانم دکتر طریان هم خیلی مورد احترام و علاقه آقای دکتر حسابی بودند و رک‌گویی و صراحت لهجه ایشان زبانزد بود. حتی به خاطر دارم که وقتی آقای پروفیسور مارشال به دعوت آقای دکتر حسابی به ایران آمده بودند یک شب آقای دکتر حسابی ایشان را به رستورانی در خیابان تخت جمشید یا آیت‌الله طالقانی امروزی دعوت کردند و به من گفتند که شما هم بیایید. وقتی به اتفاق آقای دکتر حسابی و پروفیسور مارشال به آن رستوران رفتیم خانم دکتر طریان هم به دعوت آقای دکتر حسابی آنجا بودند. منظور این که افراد زیادی بودند، غیر از من که فرانسوی می‌دانستند ولی آقای دکتر حسابی، خانم دکتر طریان را ترجیح داده بودند. البته غذا با پیش‌غذای خاویار، آن هم از نوع طلایی شروع شد، ولی دکتر حسابی هر چه به من تعارف کردند به دلیل بوی خاص من نخوردم، ولی از شما چه پنهان بعدها از این قضیه بسیار پشیمان شدم زیرا یک فرصت استثنایی را از دست داده بودم!

همان طور که گفتم خانم دکتر طریان به صراحت در گفتار زبانزد بودند و از جمله خاطراتی که از ایشان دارم یکی این است که زمانی به دلایلی دوستانی از مدرسه عالی پارس و جاهای دیگر به گروه فیزیک آمده بودند یا آورده شده بودند که یکی از آن‌ها دوست داشت در همه کارها دخالت کند و این کار تشنج‌های زیادی در گروه فیزیک ایجاد کرد. یک‌بار ایشان در جلسه عمومی گروه عنوان کردند که تعداد کادر علمی گروه زیاد است و عده‌ای درس ندارند چرا باید وقتی آقای دکتر حسابی بازنشسته شده‌اند یک مربی درس‌های ایشان را بدهد که منظور من بودم. یک‌بار خانم دکتر طریان با پرخاش گفتند که درست است آقای مقبلی سال‌ها درس اپتیک را داده‌اند و هیچ حرف و حدیثی هم نبوده است و دانشجویان هم راضی بوده‌اند این است که ایشان کماکان این درس را خواهند داد، حال برویم سر موضوع بعدی! و بعد از آن من تا زمانی که بازنشسته شدم فیزیک دیدگانی را تدریس کردم و استاد دکتر برکشلی هم نگره کاهنربایی را درس می‌دادند و دیگر کسی حرفی از این موضوع نزد و ادعایی نداشت.



خانم دکتر طریان

خانم دکتر طریان همیشه از آقای دکتر حسابی به نیکی یاد می‌کردند و حتی موقعی که در خانه سالمندان بودند و به دیدار ایشان رفته بودم با پای گچ گرفته با دیدن من ذکر خیری از آقای دکتر حسابی به میان آوردند.

یکی دیگر از دانشجویان برجسته آقای دکتر حسابی استاد ارجمند جناب آقای دکتر مهدی گلشنی هستند که یکی از مفاخر فیزیک معاصرند و هر وقت با ایشان مواجه شده‌ایم و به خدمت ایشان رفته‌ایم ذکر محاسن و ویژگی‌های آقای دکتر حسابی در میان بوده است. من چون با آقای دکتر گلشنی همکلاس بوده‌ام می‌دیدم که ایشان با چه علاقه‌ای به درس‌های آقای دکتر گوش می‌دهند و شاید تنها کسی در کلاس بودند که مطالب عرضه شده توسط ایشان را کاملاً می‌فهمیدند و چون در آن موقع کتابی وجود نداشت و جزوه استنسیل شده هم خیلی قابل خواندن و استفاده نبود، همکلاسی‌ها اشکالات خود را از آقای دکتر گلشنی می‌پرسیدند و بعضی همکلاسی‌ها که شیطنت می‌کردند به یکی از دانشجویان دختر کلاس، که برعکس حالا چندتایی بیشتر نبودند، می‌گفتند ما چون از آقای گلشنی خیلی سوال کرده‌ایم خجالت می‌کشیم، شما بروید و بپرسید فلان مطلب چگونه است. آن دختر خانم هم بدون اطلاع از ماجرا پیش آقای گلشنی می‌رفتند و مطلب را می‌پرسیدند. آقای دکتر گلشنی هم بدون این که به صورت آن دختر خانم نگاه کنند در حالی که به دیوار و به سقف نگاه می‌کردند جواب پرسش را می‌دادند و دوستان در فاصله‌ای دور می‌ایستادند و به ما وقع می‌خندیدند!

دوستانی مدعی‌اند که آقای دکتر گلشنی، دکتر منصوری، دکتر اردلان، دکتر ارفعی و بسیاری دیگر، فیزیکدان‌های خوبی هستند، بسیار خوب چه کسی در این تردید دارد؟ همچنان که می‌توان ادعا کرد که یک دانشجوی سال دوم فیزیک هم نسبت به نیوتون فیزیکدان خوبی است چون مثلاً نیوتون از فیزیک حالت جامد، فیزیک پلاسما، فیزیک نیمرساناها و لیزر و اپتیک غیرخطی چیزی نمی‌دانست در حالی که یک دانشجوی سال دوم فیزیک ممکن است چیزی از این موارد بداند. آیا این از اهمیت و عظمت نیوتون چیزی کم می‌کند یا برعکس بر بزرگی او می‌افزاید چون اگر تلاش‌ها و دستاوردهای او و امثال او نبود فیزیک به جایگاه امروز خود نمی‌رسید و به قول خود نیوتون ما در اینجا هستیم چون در شأنهٔ غول‌ها ایستاده‌ایم. بحث بر سر روزگاری است که آقای دکتر حسابی در زمانی این کارهای بزرگ و خدمات ارزنده را انجام داده‌اند که مردمان به جای اتومبیل لامبرگینی با دُرُشکه رفت و آمد می‌کردند و به جای بچه‌های شش هفت ساله‌ای که امروزه با موبایل و کامپیوتر یا به قولی رایانه بازی می‌کنند ما در این سنین با هسته خرما و هسته هلو بازی می‌کردیم و مدتی وقت لازم بود که بالاخره بشود به مسئولین امر آن زمان قبولاند که فیزیک هم چیزی مثل شیمی است!

ناصر مقبلی، آذر ماه ۱۳۹۱



دکتر عبدالسلام و دکتر حسابی
دانشگاه تهران
عکس از: مجموعهٔ شخصی ناصر مقبلی